



یادداشت

ضرورت تلفیق مبارزه علیه سیاست شوک درمانی با افزایش دستمزد!

صادق کار



در حالی که کارگران در انتظار (ترمیم دستمزد) و عده داده شده در نیمه دوم سال توسط محمد شریعتمداری وزیر کار دولت روحانی بودند دو روز پیش خبر افزایش ۲۵ درصد به دستمزدها در برنامه بودجه سال آینده مجلس منتشر شد. با اعلام این خبر مشخص شد که دولت این بار نیز مانند موارد پیشین قصد انجام وعده‌اش را ندارد. دولت با وجود گذشت ۸ ماه از سال و افزایش شدید تورم و گرانی هزینه‌های زندگی، نه تنها دستمزدها را ترمیم نکرد، بلکه دست کارفرمایان را هم باز گذاشت تا حتی مصوبه دستمزد شورای عالی کار خودش را هر جا خواستند اجرا نکنند. کارفرمایان بسیاری عملاً با ترفندهای مختلف از پرداخت دستمزد مصوب شورای عالی کار در فروردین سال جاری خودداری می‌کنند. شورای عالی کار حکومتی که ابزاری بیش در دست کارفرمایان و دولت شان نیست حتی جلسات عادی اش را تعطیل کرد تا مبادا در آن صحبتی از وعده کاذب وزیر کار به میان آید. نمایندگان تشکلهای کارگری وابسته به حکومت در شورای عالی کار نیز بیش از آن سرسپرده و اسیر دست قدرتمندان حاکم و کارفرمایان هستند که بتوانند غیر از چند نق بی خاصیت برای خالی نبودن عریضه کار دیگری انجام دهند.

در شرایطی که گرانی کالاهای اساسی با بالا بردن قیمت دلار از ۴۲۰۰ تومان به ۱۱ هزار تومان در بودجه سال آینده قرار است عملی شود دولت می‌خواهد راساً ۲۵ درصد دستمزدها را به اصطلاح افزایش دهد. این مقدار افزایش در واقع کمتر از نصف میانگین افزایش بهای کالاهای خوراکی و ضروری در سال جاری است! افزایش سه برابری نرخ دلار پایه که برای تامین کالاهای اساسی مردم در نظر گرفته شده به نظر کارشناسان اقتصادی مستقل قیمت مواد غذایی و دارویی را تا سه برابر افزایش می‌دهد و فاجعه دیگری را برای مردم رقم خواهد زد که در ۴۲ ساله گذشته سابقه نداشته است. این یک شوک "درمانی" دیگر پس از شوک سه برابر کردن قیمت بنزین در آبان سال گذشته است. که توسط حکومت برنامه ریزی شده است. از همین روی ضروری است مبارزه برای افزایش دستمزدها را با مبارزه علیه سیاست شوک درمانی تلفیق نمود. پیداست که بانیان و مبتکران این شوکها به خواهش و درخواستهای "خالصانه و خاضعانه" اقتصاد دانان مردم گرا و ساختارگرا وقعی نخواهند نهاد و تلاش



خواهند کرد برنامه های خودشان را به هر قیمتی که هست به اجرا بگذارند! سود و منفعت آنها و متحدین شان این را ایجاب می کند و این سود برای آنها بالاتر از رفاه و آسایش مردم و منافع ملی است. که اگر این گونه نبود آنچنان وحشیانه و خونین خیزش برخاسته از گران کردن بنزین با تمام قوا سرکوب نمی شد. افزایش ۲۵ درصد به دستمزد های کارگران و مزدبگیران در سال آینده در شرایطی که دستمزدهای کنونی به زحمت کفاف هزینه های حداقلی یک هفته خانواده ها را می دهد نمی تواند با اعتصاب عمومی مواجه نشود.

بدیهی است که در این اوضاع و احوال تنها خود کارگران هستند که از هم اکنون باید مبارزه برای افزایش دستمزد را به صورت جدی تری از پائین سازمان دهند. تعیین میزان افزایش دستمزد برای سال آینده این بار اهمیت اش به مراتب از سالهای گذشته بیشتر است و دستمزد بیش از گذشته نقش محوری در زندگی و مبارزات کارگران پیدا می کند.

در صورت اجرای این تصمیم وضعیت معیشتی مزدبگیران، بیکاران، حاشیه نشینان و تهی دستان شهر و روستا ممکن است چنان سخت شود که به راستی از تهیه نان خالی روزانه شان ناتوان بمانند. افزایش ظاهری ۲۵ یا ۳۰ درصدی دستمزد در سال آینده یعنی مبلغی نصف تورم امسال حتی اگر شوک درمانی ارزی حکومت هم اجرا نشود کوچکترین بهبودی در قدرت خرید کارگران و سایر مزدبگیران ایجاد نخواهد کرد. در مورد دستمزد رقبای محافظه کار دولت در مجلس نیز کم و بیش نظراتی مشابه نتولیرال های دولتی دارند. نهایت خواست جریان موسوم به فراکسیون کارگری در مجلس که تلاش دارد خودش را مدافع حقوق کارگران جا بزند افزایش ۴۰ درصد به دستمزدها به جای ۲۵ درصد مد نظر دولت است که حداکثر تاثیری که می تواند روی پیشنهاد دولت داشته باشد حدود ۵ درصد است.

کارگران فریب لفاظی ها و وعده های به ظاهر عدالت خواهانه این جماعت را که سعی می کنند توده های به جان آمده از سیاستهای حکومت را با دادن وعده های کاذب آرام کنند تا بتوانند در فرصت مناسب آنها را سرکوب کنند نخواهند خورد. آنها همان هایی هستند که پاسداران شان را مامور سرکوب خیزش برخاسته از گرانی بنزین کردند و در این راه از هیچ جنایتی فروگذار نکردند. این جماعت دلال صفت به مانند نتولیرالهای دولت روحانی تنها به فکر پرکردن جیب های گشاد خودشان از ثروتهای کشور هستند. تنها خود شما کارگران و دیگر گروه های مزدبگیر هستید که می توانید از فراز نهادهای حکومتی امثال شورای عالی کار، مجلس و امثالهم با همبستگی و گسترش اعتصاب و اعتراضات شرایط لازم برای افزایش واقعی دستمزدها و دیگر مطالبات تان بوجود آورید و با سیاستهای شوک درمانی دولت که ارتباط جدایی ناپذیری با مسئله دستمزد دارد مبارزه کنید. شما در مبارزه علیه سیاستهای شوک درمانی فلاکت آور و برای نان و آزادی متحدین بسیاری دارید. اکثریت بزرگ مردم فقر زده کشور که قربانی سیاستهای عدالت ستیزانه حکومت هستند، از حاشیه نشینان کلان شهرها و دیگر تهی دستان شهر و روستا گرفته تا اقشار میانی و عدالت خواهان جامعه که بیشترین آسیبها را از شوکهای اقتصادی ویرانگر می بینید در این مبارزه سرنوشت ساز همراهان شما هستند. با سازماندهی، اعتصاب و اعتراض از هم اکنون سیاستهای اقتصادی ویرانگر حکومت را که باعث فقر بیشتر شما و ثروتمندتر شدن ثروتمندان دلال صفت می شود بیش از پیش به مبارزه بطلبید.

به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!



اقتصاد شراکتی، آینده مشاغل و "پسای سرمایه داری" بخش یازدهم

آدام بوث



چرا حالا؟ - ادامه

در ارتباط با اقتصاد "شراکتی" هم، روشن است که بحران اخیر سرمایه داری موجب فقر صدها میلیون انسان و تکانه های شدید در زندگی بسیار کسان شده است. در نتیجه، مردم در جستجوی راه های بدیل و ارزان برای گذران زندگی و مصرف اند. خانوارهای کارگری - که پیشتر به اعتبارات حبابی برای خریدهای بزرگ متکی بودند - اکنون مجبور به اجاره (بیخسید، "شراکت در") مایحتاج خویش اند. چنان که اکونومیست می نویسد: قطعاً تصادفی نیست که در فاصله سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰، یعنی در سالهای نخست بحران مالی، بسیاری شرکتهای موجر (اجاره دهنده) تأسیس شدند. بعضی ها "شراکت" را، با آهنگ جادویی اش، نیل به مالکیتی تلقی کردند، که می توانست پادزهر فوق مصرف گرایی و ماده پرستی در دوره پس از بحران باشد.

برای کسانی که به اوتوپیاها مبتنی بر تکنیک باور دارند، ظهور اقتصادهای "شراکتی" و طبق درخواست مشخصاً به معنای تحقق یک آرزو است. انگار که عده ای برنامه نویس باهوش و کارآفرین مشتاق سر به مشورت با هم گذاشته باشند و - بفرمائید! - یک اقتصاد جدید را خلق کرده باشند.

اما سطور پیش، برعکس، آشکار می کنند که تکنولوژی پشت اقتصادهای "شراکتی" و طبق درخواست، مانده های بهشتی نبوده که از آسمان آمده باشند. درک این نکته مارکسیستی اهمیت دارد که هر ایده ای در جامعه (به شمول علم و تکنولوژی) تنها می توانند در محدوده ای عمل کنند که توسط شرایط مادی تعیین می شود. به عبارت دیگر، برای آن که یک تکنولوژی بتواند در یک جامعه برای خودش جا باز کند، باید شرایط مادی برای رشد و تکامل آن وجود داشته باشد.

مثال مرسوم برای توضیح این نکته ماشین بخار است. برخلاف این ادعا که جیمز وات، مهندس اسکاتلندی، ماشین بخار را اختراع کرده است، این در واقع هرون اسکندرانی، ریاضیدان یونان قدیم، بود که افتخار اختراع ماشین بخار را نصیب خود کرد. اما ماشین بخار هرون، که در آغاز هزاره نخست اختراع شد، چیزی بیشتر از یک اسباب بازی نبود.



در چارچوب اقتصادی که بر عرضه فراوان بردگان و کار آنان استوار بود، ابزارهایی برای بهبود تولید – ابزارهایی چون ماشین بخار – نمی توانستند نقش داشته باشند. تنها با ظهور و تکامل سرمایه داری و کار مزدی بود – یعنی در مناسباتی که قابلیت انجام کار توسط کارگر برای مدت معینی از او خریده می شود، به جای آن که، مثل برده در نظام برده داری، خود کارگر خریده شود – که انگیزه برای سرمایه گذاری برای ارتقاء کارائی و بهبود تولیدوری از طریق ابزارها و تکنیک های بهتر میدان یافت.

چنان که در بالا توضیح داده شد، در مورد اقتصادهای "شراکتی" و طبق درخواست، سقوط بازارهای مالی و بحران مالی دهه نخست قرن لازم بود تا شرایطی ایجاد شود که این انواع جدید اقتصاد و کسب و کار بتوانند پا بگیرند و رشد کنند: شرایطی چون بیکاری توده گیر، ریاضت و فقر، گسترش نابرابری، ... بر این اساس ظهور اقتصاد "شراکتی" و اقتصاد طبق درخواست، نه چنان که سرمایه داران و برخی اقتصاددانان دوست دارند اعلام کنند، محصول نبوغ فردی کارآفرینان و برنامه نویسان از سوئی و شوق مالکیت انسانها از سوی دیگر، بلکه بازتاب تنگناها، سکون و بحران سیستم سرمایه داری اند.

اما سطور پیش، برعکس، آشکار می کنند که تکنولوژی پشت اقتصادهای "شراکتی" و طبق درخواست، مانده های بهشتی نبوده که از آسمان آمده باشند. درک این نکته مارکسیستی اهمیت دارد که هر ایده ای در جامعه (به شمول علم و تکنولوژی) تنها می توانند در محدوده ای عمل کنند که توسط شرایط مادی تعیین می شود. به عبارت دیگر، برای آن که یک تکنولوژی بتواند در یک جامعه برای خودش جا باز کند، باید شرایط مادی برای رشد و تکامل آن وجود داشته باشد.

مثال مرسوم برای توضیح این نکته ماشین بخار است. برخلاف این ادعا که جیمز وات، مهندس اسکاتلندی، ماشین بخار را اختراع کرده است، این در واقع هرون اسکندرانی، ریاضیدان یونان قدیم، بود که اختراع ماشین بخار را نصیب خود کرد. اما ماشین بخار هرون، که در آغاز هزاره نخست اختراع شد، چیزی بیشتر از یک اسباب بازی نبود.

در چارچوب اقتصادی که بر عرضه فراوان بردگان و کار آنان استوار بود، ابزارهایی برای بهبود تولید – ابزارهایی چون ماشین بخار – نمی توانستند نقش داشته باشند. تنها با ظهور و تکامل سرمایه داری و کار مزدی بود – یعنی در مناسباتی که قابلیت انجام کار توسط کارگر برای مدت معینی از او خریده می شود، به جای آن که، مثل برده در نظام برده داری، خود کارگر خریده شود – که انگیزه برای سرمایه گذاری برای ارتقاء کارائی و بهبود تولیدوری از طریق ابزارها و تکنیک های بهتر میدان یافت.

چنان که در بالا توضیح داده شد، در مورد اقتصادهای "شراکتی" و طبق درخواست، سقوط بازارهای مالی و بحران مالی دهه نخست قرن لازم بود تا شرایطی ایجاد شود که این انواع جدید اقتصاد و کسب و کار بتوانند پا بگیرند و رشد کنند: شرایطی چون بیکاری توده گیر، ریاضت و فقر، گسترش نابرابری، ... بر این اساس ظهور اقتصاد "شراکتی" و اقتصاد طبق درخواست، نه چنان که سرمایه داران و برخی اقتصاددانان دوست دارند اعلام کنند، محصول نبوغ فردی کارآفرینان و برنامه نویسان از سوئی و شوق مالکیت انسانها از سوی دیگر، بلکه بازتاب تنگناها، سکون و بحران سیستم سرمایه داری اند.

بیمه ی بیکاری برای بیکاران!



اقتصاد دیجیتالی: فضای مجازی و زمان نامحدود در شبکه بخش ۵

فصلی از کتاب "شرایط دیجیتالی – مارکسیسم پسامدرن و تجربه زندگی دیجیتال" انتشارات دانشگاه وست مینستر- ۲۰۲۰

رابرت حسن

ترجمه: گودرز



جهانی شدن بیرونی

همان طور که جفری نیلون در "پسا پست مدرنیسم" خود استدلال می کند، یا منطق فرهنگی سرمایه داری سر وقت در زمان (Just In Time: JIT)، 'هیچ فضایی از خودمختاری خالص خارج از شکل غالب سازمان 'اقتصاد جهانی وجود ندارد'، که آن هم یک سازمان اقتصادی نئولیبرال است. نیلون در ادامه تا حدودی به طعنه می نویسد: "ما در همان دریا شنا می کنیم، در کنار هر چیز دیگری که در طول سی سال گذشته «موفق» بوده است - یعنی نظریه نئولیبرال: مایکروسافت نئولیبرال است، داروهای ضد رتروویرال (HIV) نئولیبرال هستند، حتی اعتراضات ضد جهانی شدن علیه نئولیبرالیسم به شیوه خود نئولیبرال هستند. بدبینی به کنار، در یک حالت کنترل از طریق یک مدل تولید، این ترکیب ناهماهنگ استراتژی های انباشت سرمایه داری از طریق شبکه های دیجیتال بی نظیر است.

مالی شدن صنعت یکی دیگر از ترکیب کننده های قدرتمند فرایندهای اقتصادی ناهموار است که در پشت جهانی شدن ظاهری سوار است. مالی شدن صنایع نیز یک پدیده نسبتاً جدید است، و مانند JIT، چیزی است که در دهه ۸۰-۱۹۷۰ از طریق استطاعت ترکیبی از محاسبات شبکه ای و جهانی شدن نئولیبرال امکان پذیر شد. مالی شدن سرمایه در واقع انباشت از طریق رشد بخش خدمات مالی و آرایه شبکه ای از ابزارهای مالی است - قراردادهای بین طرف هایی که ممکن است معامله، دست به دست، و حل و فصل شوند - که اکنون لبه پیشرو سرمایه داری پساصنعتی را تشکیل می دهند.



امروز بانکداری 'سنتی' و بخش خدمات مالی - که اغلب عملاً یکی هستند - تشکیل یک شکل فرار و ریزشی از انباشت سرمایه می دهند که کمتر در باره ایجاد ثروت جدید از طریق تأمین مالی تولید محصولات و خدمات جدید توسط کسب و کار مردم و صنایع است و بیشتر در مورد آن چیزی است که کوستاس لاپاویتساس (Kostas Lapavitsas) آن را 'سود بدون تولید' می نامد. مالی شدن، به گفته لاپاویتساس، چشم انداز انباشت سنتی را تغییر داده و به یک منطق دیجیتالی تبدیل شده است که رفتار عوامل اساسی انباشت سرمایه داری، از جمله شرکت های غیر مالی، بانک ها و کارگران را تغییر داده است. امور مالی فعالیت های هر سه را تغییر شکل داده است... در نتیجه شکل های جدیدی از سود را به وجود آورده است. به ویژه مالی شدن نشان دهنده یک نامتقارنی رو به رشد بین تولید و گردش پول است. لاپاویتساس در اینجا، از طریق تمرکز بخشی بر دومی، یک پدیده غیر قابل انکار را مشاهده می کند: "افزایش سود تعهد شده از طریق معاملات مالی، از جمله اشکال جدیدی از سود است که حتی می تواند غیر مرتبط با ارزش افزوده باشد به طوری که این فرایند را می توان به صورت 'مصادره مالی' خلاصه کرد."

این پول از پول ساخته شده است: سود حاصل از حدس و گمان، از ربا، اوراق قرضه، اوراق بهادار، خرید و فروش سهام، سود سهام، نوسانات نرخ بهره، مبادلات ارز و بسیاری دیگر از 'ابزار' - از جمله انباشت از بدهی کارگران و فقرا در سراسر جهان. با این حال این بدان معنا نیست که کارگران و فقرا قادرند به روش هایی که ثبات و منبع درآمد را فراهم می کند، بخشی از سیستم مالی باشند. مالی شدن در درون یک سیستم بسته که از نخبگان جهانی شبکه ای با دسترسی به اطلاعات مالی و فناوری الگوریتمی که سود حاصل از آن اطلاعات را می مکد، صورت می گیرد. سیستم های خودکار اختصاصی، جعبه سیاه در مدارهای "حلقه-بسته" خرید و فروش بین بانک ها، صندوق های تأمین، شرکت های مدیریت سرمایه گذاری و بنگاه های کارگزاری کار می کنند. مات و مبهم بودن چنین سیستم پرسودی نه تنها برای ناظمین مالی در سراسر جهان بلکه به طعنه برای کسانی که حق دسترسی ممتازی هم به آن دارند و باید به صورت روزانه به معنای واقعی کلمه از طریق یک منطق (اندکی) درک شده قمار کنند، مشکل است. همان طور که لورا لوتی می نویسد: 'این فناوری های [الگوریتمی] در مقیاس زمانی و درجه پیچیدگی غیر قابل دسترس برای سیستم ادراکی انسان عمل می کنند'. لوتی همچنین استدلال می کند که مطالعات محاسبات الگوریتمی در مقیاس کوانتومی نشان می دهد که 'چیزهای خاصی را می توان به طور محدود توصیف کرد اما نمی توان قطعی گرفت و در نتیجه غیرقابل محاسبه هستند'. منطق پردازش الگوریتمی در سطح مقیاس و پیچیدگی یافت شده در بخش مالی جهانی، اساساً از واقعیت مادی-فیزیکی جدا شده است، و از یک مدل وجودی مناسب برای خودش بهره می برد'. بنابراین نه تنها ما فاقد درک کافی از چگونگی کار الگوریتم مالی هستیم، بلکه حتی موفق به پذیرش کامل این که با یک منطق بیگانه است نیستیم، 'وجودشناسی اشیاء الگوریتمی' است که به عنوان یک منبع رو به رشد و خودمختار، از قدرتی غیر قابل پیش بینی و غیر قابل کنترل برخوردار است. چیزی که به دور از جهان آنالوگ در مقیاس انسان، مستقل از مردم و واقعیت های آنها که در درون آن ساخته شده، وجود دارد.

خصوصی سازی را متوقف کنید!



رسوایی شاکی کارگری که شلاق خورد!

صادق



روابط عمومی وزارت کار در ۱۳ آذر با انتشار یادداشتی از طرف این اداره که با عنوان "هیچ کارگری با شکایت شریعتمداری شلاق نخورده است که در خبرگزاری ایلنا منتشر کرد، اظهارات "سید ناصر موسوی لارگانی" نماینده فلاورجان در مجلس را که گفته بود هیچ کارگری با شکایت وزیر کار شلاق نخورده است را تکذیب کرد.

اشاره این نماینده به داود ربیعی بوده است که مدتی پیش در هنگام احضار به شعبه دادرسی در نواب به جرم توهین به وزیر کار ۷۴ ضربه شلاق به او زدند. بنا بر این زدن شلاق به آقای ربیعی به شکایت وزیر کار صحت دارد. اما با این تفاوت که وزیر شاکی در هنگام شکایت علی ربیعی بوده است.

خود ربیعی نیز که گویا از رسوایی عمل خودش پس از بازتاب خبر شلاق خوردن کارگر اخراجی خودرو سازی پارس ظاهراً دچار شرمندگی شده بود، سعی کرد با گفتن (من از کسی شکایتی ندارم) سر و ته قضیه را با آبروریزی کمتری بهم بیاورد. که در واقع حکم نوشدارو بعد از مردن سهراب را برایش داشت.

و اما داود ربیعی مگر از ربیعی چه خواسته بود که ربیعی از او شکایت کرد؟ یک درخواست ساده که هر کارگری حق دارد زمانی که از طرف کارفرما حقوقش پایمال می شود به کسی که ظاهراً وظیفه اش نظارت و



مراقبت از حسن اجرای قانون کار و رسیدگی به شکایات کارگران است مراجعه کند. آخه نا سلامتی ربیعی فقط وزیر کار دولت نبود، عضو شورای مرکزی خانه کارگر را هم ۴۱ سال است یدک می کشد!

در اعلامیه روابط عمومی وزارت کار اما نویسنده چنان رندانه و فرافکنانه آن را تنظیم کرده است که اصل ماجرا بکلی انکار شود.

علی ربیعی البته یدی طولانی در سرکوب فعالین سندیکایی و کارگری از همان آغاز روی کار آمدن رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در وزارت اطلاعات دارد. با این همه او در هنگام شکایت اگر از پیگیری های حق طلبانه و سر نترس داود رفیعی که بدون ترس و هراس در ۸ سال گذشته دست از اعتراض و مبارزه اش بر نداشت آگاه می شد شاید هرگز جرات شکایت از او را بخود نمی داد. آری سرسخت ترین عوامل سرکوب در هر پست و مقامی که باشند در مقابل اراده استوار انسان های مبارز و حق طلب قدرت شان رنگ می بازد، زیرا قدرت شان عاریه ای است. داود رفیعی شلاق عوامل سرمایه و ارتجاع را خورد ولی از آن سندی ساخت برای شرمند و رسوا کردن امثال ربیعی ها و سایر عوامل سرکوبگر حکومت قرون وسطایی و ارتجاعی جمهوری اسلامی.



زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



کارگران گروه ملی فولاد اهواز در این هفته نیز در اعتراض به خلف وعده مسئولان و مدیران کارخانه نسبت به عملی نکردن توافقاتی که با کارگران قبلا کرده بودند اعتصاب نمودند. کارگران اعتصابی بار دیگر خواستار، افزایش دستمزد، پرداخت مزد تعطیل کاری در ایام کرونا، حق فنی به همه کارگران و حق بدی آب و هوا، شدند. آنها افزون بر این خواسته ها نسبت به تبعیض و بی عدالتی در استخدام، پرداخت پاداش، عناوین شغلی اعتراض نموده و خواهان رفع تبعیض های کنونی و پوشش بیمه ای کارآمد هستند. نگرانی دیگر کارگران نداشتن برنامه جهت تامین مواد اولیه برای کارخانه است. گفتنی است که مدیران کارخانه در پی هر اعتصاب به کارگران وعده عملی کردن مطالبات شان را به آنها می دهند، ولی در عمل به وعده های شان پایبندی نشان نمی دهند و سیاست سردوانی کارگران را در پیش گرفته اند. یکی از دلایل اصلی این خلف وعده های کارفرما نداشتن تشکل است. اگر تشکل واقعی وجود داشت در آن صورت کارفرما مجبور می شد با نمایندگان کارگران قرارداد دسته جمعی منعقد کند و نمی توانست به راحتی امروز زیر توافقات شفاهی اش بزند. این وضعیت متأسفانه تا زمانی که نگذارند کارگر اتحادیه تشکیل دهد ادامه خواهد یافت. بهمین جهت کارگران باید تلاش کنند اتحادیه تشکیل دهند و در آن متشکل شوند تا بتوانند موثرتر از حقوق شان دفاع و وضعیت زندگی و شرایط شغلی شان را بهتر کنند.

تجمع پرستاران در سنندج

شمار کثیری از پرستاران سنندجی در ۸ آذر در اعتراض به پرداخت نشدن طلب مزدی و تاخیر در پرداخت کارانه شان مقابل ساختمان اداره بهداشت سنندج تجمعی برگزار کردند. پرستاران حاضر در تجمع خواستار پرداخت کارانه ها و طلب مزدی شان که از سال ۹۸ تا کنون پرداخت نشده شدند. آنها می گویند اعتبار لازم نیز دوماه پیش جهت پرداخت کارانه پرستاران اعلام شده است، با این حال مسئولین وزارت بهداشت معلوم نیست به چه علت از پرداخت



طلب آنها تا کنون طفره رفته اند. متأسفانه برخورد مسئولین ادارات بهداشت و درمان با مطالبات پرستاران در سایر شهرها نیز کم و بیش مشابه است. این برخوردهای ناروا و زورگویانه با پرستاران در شرایطی صورت می گیرد که پرستاران با وجود حقوق اندک و شرایط کاری دشوار و خطرناک نقش اصلی را در درمان بیماران کرونایی و غیره به عهده دارند و عده زیادی از آنها جان عزیزشان را در این راه از دست داده اند. علت اصلی اینگونه بی تفاوتی مسئولین نسبت به پرستاران محرومیت آنها از حق تشکّل است. چنان تشکلی که با سازماندهی مطالبات و اعتراضات پرستاران بتواند مناسبات پرستاران با مسئولین دولتی و کارفرمایان را بکلی دگرگون کند.

اخراج و سرگردانی کارگران پارس جنوبی

با آمدن کرونا اخراج و سرگردانی کارگران شاغل در مناطق آزاد تجاری نیز افزایش یافته است. کارگران مناطق آزاد (بخوان مراکز برده داری نوین) که از بدیهی ترین حقوق خود قانوناً محروم شده اند، در هفته های اخیر دسته دسته از کار اخراج می شوند و مراجعات و شکایات آنها به ادارات کار نیز ره به جایی نمی برند. از حقوق دوران بیکاری محروم اند، کار هم وجود ندارد و معلوم نیست که آنها چگونه باید هزینه های اولیه زندگی شان را تأمین کند. کارگران پارس جنوبی تنها نیستند در مناطق دیگر به اصطلاح آزاد نیز که همه کشور را در بر گرفته اند وضعیت کارگران آنها نیز بهمین صورت است. این تنها یک چشمه از نتایج سیاست موسوم به مقررات زدایی است که کارگران را تبدیل به بردگان صاحبان سرمایه نموده است و هیچ راه احقاق حق بصورت قانونی برای کارگران باقی نگذاشته است. این برخوردهای ستمگرانه و ضد انسانی در حالی علیه کارگران اعمال می شود که صاحبان موسسات و شرکتهای واقع در این مناطق به دلیل برخورداری از انواع معافیت های مالیاتی و امکانات دولتی، و کارگر ارزان به ثروتهای کلان رسیده اند. ثروتهای که غالباً رانتی هستند و در واقع از اختصاص بخشی از اموال عمومی به آنها تلبّار شده اند. حالا که یک بیماری همه گیر مردم را اسیر خود کرده است، حتی در این شرایط نیز صاحبان این شرکتها حاضر به اخراج نکردن کارگرانی که سالها با استثمار بیرحمانه شان برای خود ثروت و قدرت بسیار کسب کرده اند نیستند! در این میان اما برخورد نمایندگان مجلس و مسئولین دولتی و وزیر نفت با شکایات کارگران اخراجی به مراتب تنفرآمیزتر از کارفرمایان است. فهم این قضیه هم چندان دشوار نیست. زیرا هم تشکّل مناطق (آزاد) و هم معافیت این مناطق از مالیات، تعرفه و قوانین کار از دست پخته های خود آنهاست و صاحبان اکثر قریب به اتفاق شرکتهای پیمانکاری از کس و کارهای مقامات حکومت و نمایندگان مجلس یا جز شرکای شرکتها هستند. بهمین جهت مبارزه با ستمگری صاحبان شرکتها در مناطق آزاد بدون مبارزه علیه بانیان حکومتی مناطق مذکور ره بجایی نمی برد.

تجمع دوباره کارگران پیمانکاری های صنعت نفت مقابل ساختمان وزارت نفت

در ۶ آذر بار دیگر گروه بزرگی از کارگران پیمانکاریهای فعال در صنعت نفت در مقابل ساختمان وزارت نفت تجمع کردند تا به اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل در این شرکتها اعتراض و خواستار عملی شدن آن شوند. در پی گسترش اعتصابات در میان شرکتهای پیمانکاری که برای یک رشته مطالبات صنفی در سال گذشته بوقوع پیوست، مسئولین شرکت نفت برای جلوگیری از گسترش اعتصابات با صدور بخشنامه ای از صاحبان شرکتها پیمانکاری خواستند که تغییری در وضعیت مزدی و رفاهی کارگران بوجود آورند. انجام طرح طبقه بندی یکی از



موارد این بخشنامه بود. گفتنی است که اجرای درست طرح طبقه بندی جلوی بخشی از قانون شکنی های کارفرمایان را می گیرد و باعث افزایش درآمد کارگران بر اساس رتبه، تخصص و سابقه کاری می شود و کارفرما دیگر نمی تواند به راحتی به همه کارگران دستمزد کارگر ساده و بی تجربه را بدهد. بهمین جهت است که کارفرمایان این شرکتها با وجود دستور مقامات شرکت نفت از انجام طبقه بندی کردن کارگران طفره می روند. تعداد کارگران پیمانی در شرکتهای نفتی بالغ بر ۱۰۶ هزار نفر می شود و اگر اینها متحد و متشکل شوند سهلتر و سریعتر می توانند به خواسته های شان برسند. آنها البته تا حدود زیادی متحد شده اند، اما واقعیت آن است که بدون تشکل اتحادشان آسیب پذیر می شود.

تجمع کارگران زغال سنگ کرمان

جمعی از کارگران معدن زغال سنگ کرمان در پنجم آذر با برگزاری یک تجمع اعتراضی بار دیگر با واگذاری این معدن از طریق فروش سهام آن در بازار بورس مخالفت و خواستار لغو این تصمیم شدند. کارگران می خواهند معدن زغال سنگ همچنان در تملک صندوق بازنشستگی فولاد باقی بماند. آنها نگران به مخاطره افتادن امنیت شغلی خود هستند. کارگران معترض همچنین خواستار اجرای طبقه بندی مشاغل و استخدام رسمی کارگران این معدن شدند. گفتنی است که واگذاری معادن به بخش خصوصی و خصوصی سازی در سالهای اخیر شدت یافته و اکثر معادن کشور با شرایط سهل برای تامین هزینه های جاری دولت و کسر بودجه بصورت رانتی واگذار شده اند. دولت قصد دارد تمام معادن باقی مانده کشور را بهمین صورت به فروش برساند. در بودجه سال آینده نیز بخش قابل توجهی از بودجه جاری را قرار است از طریق فروش اموال عمومی تامین کند. همین مفت فروشی کار را بجایی رسانده که در برخی روزنامه های اقتصادی طرفدار بازار امثال "دنیای اقتصاد" از دولت بخواهند معادن را همراه با واحدهای دولتی دیگر به صورت ارزان در اختیار بخش خصوصی قرار دهند. در نوشتار این گونه روزنامه ها گویی همه اموال کشور از آن یک اقلیت کوچک ثروتمند است و ۹۰ درصد مردم حقی از اموال خودشان ندارند! دولت و سازمان مافیایی خصوصی سازی اش نیز مو به مو این رهنمودها را اجرا می کند و اموال عمومی را با کمتر از یک سوم قیمت واقعی آنها به سرمایه داران رانتی که ثروت های شان را از غارت اموال مردم و زد و بنده با حکومتی ها به کف آورده اند واگذار می کند. هر کس که در این مورد تردید دارد با خواندن داستان واگذاریهای موسساتی همچون، ماشین سازی تبریز، کشت و صنعت مغان و کارون، پالایشگاه کرمانشاه، هفت تپه، هپکو و آذرآب، پتروشیمی های مختلف می تواند به عمق این فجایع پی ببرد. از همین رو مخالفت و مبارزه کارگران علیه خصوصی سازی و بازگرداندن اموال غارت شده مردم به صاحبان واقعی شان، نه تنها بخاطر دفاع کارگران از حقوق شان که توسط سرمایه داران نوکیسه لگد مال می شود، بلکه دفاع از منافع و اموال عمومی نیز هست!

ادامه اعتراضات کارگران مجتمع تجاری اروند با گذشت ۱۰ روز

اعتراضات کارگران مجتمع تجاری اروند واقع در شهر خرمشهر که گفته می شود حدود ۴۰۰ واحد تجاری را شامل می شود با وجود گذشت ۱۰ روز از آغاز اعتراضات همچنان ادامه دارد. علت اصلی اعتراض کارگران پرداخت نشدن مطالبات مزدی سه ماه گذشته کارگران ذکر گردیده. آنطور که از گزارشات بر می آید شکایات کارگران به مسئولین ذیربط در خرمشهر تا کنون بی نتیجه مانده و آنها تلاشی جدی و موثر برای احقاق حق کارگران نکرده اند.



انفعال مسئولین در شرایطی است که گفته می شود خانواده های کارگران از لحاظ معیشتی به شدت تحت فشار قرار دارند. یکی از کارگران به خبرگزاری ایلنا گفته است دیگر پول برای خرید نان خالی هم نداریم. پرداخت حق بیمه کارگران نیز متوقف و کارفرمایان از چندی پیش به این سو از تجدید قراردادهای کارگران خودداری نموده اند. با این اوصاف کارگران همچنان به اعتراض شان ادامه می دهند و راهی غیر از آن مقابل خود نمی بینند.

تجمع کارگران ریخته گری ماشین سازی تبریز

کارگران ریخته گری ماشین سازی تبریز در ۱۰ آذر با برگزاری تجمعی در مقابل این کارخانه، خواهان تغییر مدیر، تداوم تولید، تامین امنیت شغلی و پرداخت منظم حقوق خود شدند. کارگران نگران هستند که ضعف مدیریت فعلی تداوم تولید و اشتغال را دچار مخاطره نماید. آنها خواستار فرستادن مدیریت کارآمد از طرف شرکت گسترش صنایع ایران و واگذاری کارخانه ریخته گری به شرکت مذکور هستند. گفتنی است که اعزام مدیران ضعیف و نا آشنا همواره مقدمه ای بوده اند جهت به رکود کشاندن عمدی واحدهای تولیدی به منظور فراهم کردن زمینه واگذاری آنها به بخش خصوصی و خصوصی. این ترفند از طرف همه دولتهای جمهوری اسلامی از رفسنجانی و احمدی نژاد گرفته تا روحانی بکار گرفته شده است. از همین رو نگرانی توأم با اعتراض کارگران ریخته گری ماشین سازی به موقع و واکنش هوشیارانه آنها قابل تحسین است.

ادامه افزایش قربانیان حوادث شغلی

بنا به گزارش مدیر کل پزشکی قانونی آذربایجان شرقی ۸۱ نفر طی شش ماهه اول امسال بر اثر حوادث ناشی از کار در این استان جان شان را از دست داده اند. به گفته وی این آمار نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۳ نفر افزایش یافته است! به گفته علی صفاری رئیس پزشکی قانونی استان ۸۱۰ نفر نیز در همین مدت مصدوم شده اند. متأسفانه آمار کشته شدگان حوادث کار در اکثر استانهای کشور همچنان در حال افزایش هستند و مسئولین ذیربط هر بار که آمار منتشر می شود وعده رسیدگی و کنترول می دهند ولی انتشار آمارهای بعدی نشان می دهند که نتوانسته اند رشد حوادث را کاهش دهند. و نمی توانند هم با ساز و کارهای موجود مانع از رشد حوادث و صدمات ناشی از آنها شوند. زیرا بی قانونی در محل های کار فرمانروایی می کند. عاملان حوادث کار اغلب مجازات نمی شوند و کارفرمایان امکانات لازم برای جلوگیری از حوادث شغلی را در اختیار کارگران شان قرار نمی دهند. وجود سندیکاهای کارگری در محل های کار یگانه عاملی است که می تواند نقش موثری در کاهش و به حداقل رساندن حوادث کار داشته باشد. اما نه دولت و نه کارفرمایان هیچ کدام مایل به تحمل سندیکاها نیستند و ترجیح می دهند حوادث کار بهمین صورت باقی بماند و هر ساله عده زیادی را قربانی کند اما ساحت مقدس سود با ورود سندیکاها به کارخانه ها آسیب نبیند. متأسفانه اکثر آنهاهی هم که مصدوم و معلول می شوند تحت پوشش بیمه قرار نمی گیرند و بقیه زندگی شان را محکوم اند با رنج و فقر و بیکاری سر کنند.

ادامه اعتراضات کارگران شهرداری ها

اعتراضات کارگران شهرداری ها در این هفته نیز ادامه یافت. در شرایطی که اعتراضات علیه شرکت های پیمانکار فعال در شهرداری ها به دلیل لگد مال کردن حقوق کارگران ادامه دارد، روند سپردن کارهای شهرداری به پیمانکاران در شهرهایی که هنوز در اختیار خود شهرداریهاست در جریان است. در این میان شهرداری زنجان نیز



در تلاش است کارهای مربوط به نظافت، حمل و نقل و اموراتی از این دست را به شرکتهای پیمانکار واگذار نماید. این تصمیم با مخالفت و اعتراض کارگران شهرداری زنجان مواجه شده است. کارگران خواستار انعقاد قرارداد مستقیم کاری با خود شهرداری بجای پیمانکار شدند. گفتنی است با وجود نیاز مبرمی که شهرداری به کار این کارگران دارد ولی سالهاست با انعقاد قرارداد موقت سه ماهه از استخدام رسمی آنها طفره می رود و بخش قابل ملاحظه‌ای از مزایا و دستمزد آنها را به بهانه موقت بودن پرداخت نمی کند.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را

تامین کند!